



سه‌شنبه ۶ آذر ۱۴۰۳

وطن‌امروز | شماره ۴۱۹۰

فرهنگ وهنر

اخبار

۲ آهنگ جدید یگانه

منتشر می شود

یگانه در یکی از کنسرت‌هایش در شب‌های گذشته خیر خوشحال‌کننده‌ای برای هوادارانش داشت. یگانه در جریان برگزاری کنسرت، خطاب به حاضران در سالن اسپیناس پالاس گفت: در روزهای پیش رو ۲ آهنگ جدید منتشر خواهیم کرد؛ یکی از آهنگ‌ها هفته آینده منتشر خواهد شد.

■ ■ ■

امضای تفاهمنامه همکاری

نهاد کتابخانه‌ها و دانشگاه آزاد

با هدف توسعه همکاری‌ها و بهره‌مندی از ظرفیت‌های آموزشی، علمی، پژوهشی و فرهنگی، تفاهمنامه همکاری دانشگاه آزاد اسلامی و نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور یکشنبه ۴ آذر در نشست با حضور محمدمهدی طهرانچی، این فرهنگساز، رئیس دانشگاه آزاد اسلامی و مهدی رضائی، دبیر کل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور به امضا رسید.

این تفاهمنامه با موضوع همکاری دوجانبه و توسعه آن در موضوعات علمی، پژوهشی، مهارتی، پرورشی و فرهنگی در سطح تحصیلات تکمیلی، به دنبال تحقق اهدافی چون هم‌افزایی ظرفیت‌های علمی و پژوهشی، ارتقا و تعالی سطح علمی – پژوهشی کادر علمی و پژوهشگران، بهره‌گیری از ظرفیت‌ها، امکانات و توانمندی‌های علمی، آموزشی، پژوهشی، مهارتی، پرورشی و فرهنگی و ارتقا و استمرار همکاری به منظور اثربخشی ارتباط سازمان‌یافته است.

■ ■ ■

بازگشت مجید مظفری

به تلویزیون

همزمان با روز نیروی دریایی، فیلم سینمایی «جنگ نفت‌کش‌ها» به نویسندگی و کارگردانی «محمد بزرگنیا» امروز (سه‌شنبه ۶ آذر) روی آنتن می‌رود. این فیلم سینمایی با بازی مجید مظفری به تهیه‌کنندگی غلامرضا موسوی محصول سال ۱۳۷۲ ساعت ۲۱ از شبکه‌ها نمایش پخش خواهد. این فیلم بر اساس واقعه جنگ نفت‌کش‌ها در خلیج‌فارس در زمان جنگ ایران و عراق ساخته شده است.

بزرگنیا برای نویسندگی و کارگردانی این فیلم سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی را از دوازدهمین دوره جشنواره فیلم فجر دریافت کرد.بازپخش فیلم سینمایی «جنگ نفت‌کش‌ها» هم چهارشنبه ۷ آذر ساعت‌های ۷ صبح و ۱۳ است.

■ ■ ■

امین زندگانی

روایتگر «جنگ ۳۳ روزه»



همزمان با آغاز ترمینات نمایش میدانی «ساع ۵» به نویسندگی و کارگردانی امین زندگانی، لوگوموشن این نمایش منتشر شد.

«ساع ۵» روایت یکی از مهم‌ترین رخدادهای جنگ ژوئیه ۲۰۰۶ است که در آن هنرمندان ایرانی و لبنانی به ایفای نقش می‌پردازند.

■ ■ ■

تمدید نمایشگاه «چشم در چشم»

تا پایان آذر

نادره رضایی‌نمایشگاه «چشم در چشم»موزه هنرهای معاصر را تا پایان آذرماه تمدید کرد. معاون امور هنری وزارت ارشاد گفت:نمایشگاه «چشم در چشم» را با توجه به استقبال کم‌سابقه هنرمندان و علاقه‌مندان هنرهای تجسمی و گنچینه موزه هنرهای معاصر، تا پایان آذرم تمدید می‌کنیم.

وی همچنین افزود:در این روزها موزه هنرهای معاصر شاهد صف‌های طولانی مردم برای تماشای آثار پرتره گنچینه موزه است. امیدواریم با این تمدید، علاقه‌مندان بیشتری فرصت داشته باشند با فراغت به موزه بیایند. در این نمایشگاه ۱۲۰ اثر هنرمندانی مانند فرانسیس بیکن، لوئک، پیکاسو، ونسان ونگوگ، اندی وارهول، جیاکومتی، جیمز انسور، ادوارد مونک، جیمز داین،رابرت راشنبرگ، فرنان لژه، خون میره، کمال‌الملک، بهمن محمص، مارکو گرینگورمان، محمود جوادی‌پور، احمد اسفندیاری، ژوزه تیتایبی، گل‌میز درمیخش، غلامحسین نامی، مهدی سحلی، فرشید ملکی و کورش گلناری در ۵ گالری موزه به نمایش در آمده است.

■ ■ ■

انتشار نسخه صوتی

«هوواتو دارم»

همزمان با مراسم رونمایی از تقریظ رهبر معظم انقلاب بر کتاب «هوواتو دارم»، نسخه صوتی این اثر با صدای ملیحه شبانیان از سوی سماوا منتشر شد و در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفت. «هوواتو دارم» بعد از «یادت باشد» و «کاش برگردی» سومین اثر ملاحسنی در حوزه شهدای مدافع حرم است. او با انتشار این سه اثر نشان داده در انتخاب عناوین کتاب‌هایش سلیقه خاصی به خرج می‌دهد تا جایی که مخاطب را از همان ابتدا با همین عناوین سر ذوق می‌آورد. دیدار فرانزه سیاهکالی، راوی کتاب «یادت باشد» با همسر شهید مرتضی عبداللهی پهلانی شد برای نگارش خاطرات او و روایت فراز و فرود یک زندگی مشترک ۱۰ ساله. کتاب، در خود نکات قابل تأملی از نسل جدید انقلاب ارائه می‌دهد.

شهیدعبداللهی متولدمنصف‌اسفند۱۳۶۶، دانش‌آموخته رشته مهندسی عمران بود و ۲۳ آبان ۱۳۹۶ در منطقه بوکمال سوریه به شهادت رسید.

حضرت‌امیر المومنین^ع؛

بیچاره اسراف‌کار! چه دور است از اصلاح نفس و جبران کار خود

روزنامه سیاسی ، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز ومدیرمسئول:محمد آخوندی
مدیرعامل:زماشکیبایی
سردبیر:سیدعابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۸۲
تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۲
نمابر: ۶۶۴۱۳۱۳۷
پيام‌سان:vatanemrooz@vatnemrooz.ir
چاپ:موسسه جام‌جم برتر برنا
توزیع:نشر گستر امروز:۶۱۹۳۳۰۰۰



در نقد ورود تجاری سلبریتی‌ها به تئاتر و کتاب

ادابازی‌های روشنفکرنمایانه

باز تا اینجا فقط گمان کرده‌اید عنوان و محتوا نسبتی ندارند اما دقیق‌تر که می‌شوید متوجه می‌شوید یکی از مهم‌ترین ناشران این مملکت که برای بخش‌های مختلفش از رمان و فلسفه یک دبیر متخصص دارد، این کتاب را منتشر کرده است. چرا؟ چون یک مجری – گزارشگر آن را با کمک چند دانشجو ترجمه کرده است. شاید بگویید این کتاب الان در چاپ چندم است و دیگر وقت این حرف‌ها نیست. احتمالاً اگر نمایشگاه کتاب امسال تهران را رفته باشید، صف طولانی امضای همین کتاب و بازار کساد کتب علوم انسانی را دیده‌اید. آن رونق و این رکود همه ماجراست؛ ماجرابی که یک سرش بازیگری است که با سواد انگلیسی متوسط تصمیم گرفته مترجم شود تا در کنار قراردادهای چرب با برندهای لایاس و مواد آرایشی، وجه فرهنگی هم داشته باشد تا آن یکی دیگر که با صدای معمولی کتساب صوتی می‌خواند. حکایت همه اینها صنعت فرهنگی سرمایه‌داران و بنگاه‌داران از یک سو و ادابازی روشنفکرنمایی از دیگر سو است. حال به گمانم برای اصحاب فرهنگ و برای آنها که تیغ شمشیرشان همیشه تیز است، رسالتی در میان است؛ رسالتی که سقراط در برابر سوفیست‌ها پیش گرفته بود و هر موقع که یکی از آنها با کبر مدعی دانستن تمام و کمال چیزی بود یا وقتی کسی مدعی حکمت تمام‌عیار می‌شد، پرده از دغل‌کاری آنها کنار می‌زد. نقد فرهنگی باید معطوف خاستگاه‌ها باشد و با کمال شجاعت از برآمدگه بپرسد. اینکه این وضعیت که می‌بینیم از کجا نشأت گرفته؟ همین که توان تخریب این پرسش را زنده نگه داریم، دیگر کسی با ترجمه زردترین کتاب‌ها نمی‌تواند مدعی روشنفکری شود یا خود را در صف مترجمان جا داده و بگوید ما مارا که کجا می‌رویم.

بااستعداد سوره، هنرهای زیبا یا دانشگاه آزاد رمق و توانی برای کار در فضایی داشته باشد که جایی برایش نمانده است؟ از این گذشته تکلیف مخاطب چه می‌شود؟ مخاطب این نمایش‌ها با هزینه‌های سرسام‌آور چه کسانی هستند؟ پاسخ دادن به این سؤال‌ها سخت نیست و به نبوغ فرهنگی خاصی هم نیاز ندارد. با یک حساب سرانگشتی می‌توان فهمید تئاتر در حال پرواز از سید فرهنگی دانشجویانی است که هر روز که از پل کالج تا دانشگاه شریف را پیاده بروید، آنها را می‌بینید. سؤال بعدی این است نیاز فرهنگی این اقشار و قشر متوسط فرهنگی به نمایش چگونه ارضا می‌شود؟ برای جواب دادن به این سؤال کافی است در پلتفرم‌های فروش بلیت تئاتر چرخي بزئید تا ببینید چه میزان تماشاخانه خصوصی تأسیس شده‌اند که نه تنها حداقل امکانات رفاهی را ندارند، بلکه در اغلب موارد عملاً با امکانی با خروجی بشدت نازل طرفیم. اغلب کسانی که می‌توانستند با اجاره یک پلاطو و ۲ ماه تمرین، نمایشی را در تئاتر شهر یا پردیس فرهنگ راه روی صحنه ببرند، حال بدون کست معروف فقط می‌توانند در تماشاخانه‌های خصوصی اجرا روند. اما فقط تئاتر نیست که قربانی صنعتی‌سازی فرهنگ و هوس روشنفکرنمایی سلبریتی‌ها شده است. وضعیت حوزه فخریم‌تر کتاب هم دست کمی ندارد. تازه آنجا ممکن است بحران حادث‌تر هم باشد. مثلاً نشری مثل چشمه که کتاب‌های معتبری را منتشر می‌کند، ناگهان تصمیم گرفته کتابی تولید کند با عنوان «هنر شفاف اندیشیدن». اگر فقط نام کتاب را بشنودیم، گمان می‌کنید با اثری فلسفی در حوزه معرفت‌شناسی یا منطق سرر و کار دارید اما همین که کتاب به دست‌نشان می‌رسد، می‌بینید با زردترین لایه روان‌شناسی طرفید. کتابی در عداد کروکودیل‌ت را قورت بده یا قورباغه سبز افسردگی!

کسانی تصمیم گرفتند همین دلخوشی‌های فرهنگی اندک را هم از ما بگیرند؛ کسانی که پیش‌تر با پول‌هایی که با دستمال هم دستت را کثیف می‌کردند، سینما را به پرنگاه سفاخت و جلافت برده بودند. ناگهان پای سلبریتی‌ها به نمایش‌ها باز شد؛ چه نمایش‌هایی؟ دوختن کت برای دکمه‌ای که آقا یا خانم سلبریتی باشند. خب!ا ممکن است بگویید چه اجزای دارد که میان سینما و و تئاتر این داد وستد دوطرفه برقرار باشد؟ اجزای ندارد. اتفاقاً قبلاًنه فقط تئاتر برای سینما ستاره می‌ساخت، بلکه سینمایی‌ها هم فراموش نمی‌کردند باید به صحنه‌ای برگردند که خاکش را خورده و از آنجا سوپرآستار شده‌اند.مشکل این‌است که فقط سلبریتی‌های سینماینستند، کار به خوانندگان کچ‌خوان و اینستاگرام‌های تهی هم رسیده است. باز با این هم مشکلی نداریم. ایران آزادتر از اینهاست که منتقدی بتواند جلوی چیزی ی کاری را بگیرد. مساله در بهم خوردن نظام مبادله‌ای است که قبل و بیش از هر چیز تیشه بر ریشه فرهنگ می‌زند. تصور کنید تا همین چندمی‌پیش دستمزد بازیگران تئاتر ۸۰ تومان بود. این مبلغ برای تهیه‌کننده – در صورت وجود – زیاد نبود و به نحوی کار را درمی‌آورد. درباره بازیگران شناخته‌شده‌تر خود تئاتر البته مبالغی بهتر هم وجود داشت ولی باز با عقل درمی‌آمد یا به تعبیری هنوز از ظرفیت نظام عرضه و تقاضا خارج نشده بود. حال فکر کنید بازیگری که برای یک ماه بازی در یک سریال نمایش خانگی چند میلیارد دستمزد دریافت می‌کند، با پیشهاد یک سرمایه‌گذار – عنوان تهیه‌کننده دیگر در اینجا منعزل است – به تیم اجرای یک نمایش می‌پیوندد. بیایید خوشبین باشیم و فکر کنیم ما با نمایشی جدی طرف هستیم. تبعات این دستمزد گاه ۱۰۰ برابری چیست؟ چگونه باید دانشجوی

گروه فرهنگ و هنر: چند سال پیش که اجرای یک نمایش در هتل اسپیناس پالاس تهران با بلیت‌های نجومی خیرساز شد، شاید فکرش را هم نمی‌کردیم خیلی زود این مساله بدل به یک رویه شود. معمولاً وقتی در میان اهالی فرهنگ صحبت از تئاتر به میان می‌آید،انتظار یک فعالیت یا تفریح فرهنگی با قیمت مناسب و البته از سوی یک جریان فرهنگی غیرتجاری را داریم. اغلب تماشاگران تئاتر شهر تا همین چند سال پیش از همین دانشجویان یا طبقه متوسط فرهنگی‌ای بودند که میان خودشان و بازیگران و عوامل فاصله چندانی احساس نمی‌کردند. احتمالاً هر کدام از ما اهالی فرهنگ، دوستان بازیگر یا کارگردانی داریم که روزی به نمایش‌شان رفت‌ایم و می‌دانیم روند تولید آثار نمایشی در ایران با این گردش مالی نحیف تا چه میزان کار مشقت‌باری است که انتخاب آن تنه به جنون می‌زند. ساده نگذردیم، مخاطب محصول فرهنگی تئاتر نسبت طبقاتی نزدیکی با عوامل احساس می‌کرد. گویی که یکی از خود ما آن بالاست که مونولوگ می‌گوید یا یکی دیگر از خود ما نمایش را نوشته و آن دیگری که احتمالاً ساعتی قبل از نمایش در همان کافه روبه‌روی تماشاخانه قهوه‌اش را با یکی از ما سر می‌کشید، کارگردانی می‌کند. از اینجا گذشته می‌دانستیم نمایش‌ها پشتوانه‌ای ادبیبائی و آکادمیک دارند. بازیگرانش، همان بازیگرانی که از طبقه ما بودند، از سوره و هنرهای زیبا یا کلاس‌های سمندریان و نصیریان آمده بودند. با متونی سر و کار داشتیم که مدت‌ها قبل خوانده بودیم و منتظر که کی شود اجزایی از «باغ‌وحش شیشه‌ای» یا «کرگدن» را ببینیم. ما همه اینها را داشتیم و برای دانشتشم هم تیزیاری نبود

میسان دخل و خرج‌مان دینامیت بگذاریم! تئاتر دینن از نظر مالی، انتحار موقت نبود. ماجرا از جایی شروع شد که ناگهان

نگاهی به کیفیت برگزاری بیست‌وسومین مراسم «جشن حافظ»

با نظم اما پرنقص

طولانی و خسته‌کننده

یکی از مشکلات همیشگی جشن حافظ، یعنی طولانی بودن بیش از حد مراسم، همچنان پابرجا بود. تاخیر اولیه و ادامه یافتن جشن تا پاسی از شب، خستگی میهمانان و حتی تصحیف کیفیت بخش‌های پایانی را به دنبال داشت. این در حالی است که در مدیریت رویدادهای چنین مهم، تنظیم دقیق زمان‌بندی از پایه‌ای‌ترین اصول به شمار می‌رود.

معیارهای انتخاب و شباهت‌های همیشگی

از جمله بزرگ‌ترین نقاط ضعف امسال، انتخاب‌های بحث‌برانگیز در بخش نامزدها و برندگان بود. آثاری چون «هیسان آبی» که با انتقاد شدید مخاطبان و منتقدان همراه بودند، در کنار سریال‌هایی چون «سرزمین مادری» قرار داشتند و در کمال تعجب آثار موفق و مردمی مانند «نون‌خ» یا «یزبرخاکی» جایز در فهرست نامزدها نداشتند.

بودجه و اولویت‌ها

یکی دیگر از موضوعات مهم، تامین مالی جشن از سوی

وطن امروز

www.vatanemrooz.com



در نقد ورود تجاری سلبریتی‌ها به تئاتر و کتاب

ادابازی‌های روشنفکرنمایانه

باز تا اینجا فقط گمان کرده‌اید عنوان و محتوا نسبتی ندارند اما دقیق‌تر که می‌شوید متوجه می‌شوید یکی از مهم‌ترین ناشران این مملکت که برای بخش‌های مختلفش از رمان و فلسفه یک دبیر متخصص دارد، این کتاب را منتشر کرده است. چرا؟ چون یک مجری – گزارشگر آن را با کمک چند دانشجو ترجمه کرده است. شاید بگویید این کتاب الان در چاپ چندم است و دیگر وقت این حرف‌ها نیست. احتمالاً اگر نمایشگاه کتاب امسال تهران را رفته باشید، صف طولانی امضای همین کتاب و بازار کساد کتب علوم انسانی را دیده‌اید. آن رونق و این رکود همه ماجراست؛ ماجرابی که یک سرش بازیگری است که با سواد انگلیسی متوسط تصمیم گرفته مترجم شود تا در کنار قراردادهای چرب با برندهای لایاس و مواد آرایشی، وجه فرهنگی هم داشته باشد تا آن یکی دیگر که با صدای معمولی کتساب صوتی می‌خواند. حکایت همه اینها صنعت فرهنگی سرمایه‌داران و بنگاه‌داران از یک سو و ادابازی روشنفکرنمایی از دیگر سو است. حال به گمانم برای اصحاب فرهنگ و برای آنها که تیغ شمشیرشان همیشه تیز است، رسالتی در میان است؛ رسالتی که سقراط در برابر سوفیست‌ها پیش گرفته بود و هر موقع که یکی از آنها با کبر مدعی دانستن تمام و کمال چیزی بود یا وقتی کسی مدعی حکمت تمام‌عیار می‌شد، پرده از دغل‌کاری آنها کنار می‌زد. نقد فرهنگی باید معطوف خاستگاه‌ها باشد و با کمال شجاعت از برآمدگه بپرسد. اینکه این وضعیت که می‌بینیم از کجا نشأت گرفته؟ همین که توان تخریب این پرسش را زنده نگه داریم، دیگر کسی با ترجمه زردترین کتاب‌ها نمی‌تواند مدعی روشنفکری شود یا خود را در صف مترجمان جا داده و بگوید ما مارا که کجا می‌رویم.

اسپانسرها بود. هر چند امید معلم اعلام کرد تمام هزینه‌ها از این طریق تأمین شده است اما سوالی که برای بسیاری از مخاطبان مطرح شد، این بود که چرا بخشی از این بودجه برای حمایت از هنرمندان مستقل اختصاص نمی‌یابد؟ جشن حافظ به عنوان یک رویداد خصوصی، می‌تواند نقشی سازنده‌تر در حمایت از بدنه سینما و تلویزیون ایران ایفا کند اما تاکنون در این زمینه عملکردی صرفاً نمایشی داشته است.

میراث علی معلم؛ جشن حافظ به کجا می‌رود؟

جشن حافظ در دوران مدیریت علی معلم، صرف‌نظر از کاستی‌های آن، همواره بستتری بود برای ایجاد یک آیین مستقل، فاخر و فراتر از وابستگی‌های مردم. با اینکه امسال نظم بیشتری در برگزاری مراسم دیده شد اما نبود دقت در انتخاب برندگان و عدم تمرکز بر ارتقای کیفی آن، همچنان این رویداد را از بازگشت به اوج خود بازمی‌دارد. اگر امید معلم بخوادد میراث پدر را حفظ کند، باید نتنها در بخش اجزایی، بلکه در محتوای جشن نیز بازنگری جدی داشته باشد جشن

«همچنان توفان»، پرت‌های از امید و ایستادگی

به‌رنگ غزه

مفهوم حقیقی آزادی و مبارزه دعوت می‌کنند.

پیام بلند ظلم‌ستیزی

«همچنان توفان» در هر گوشه‌اش پیامی آشکار دارد؛ افشای جنایات رژیم صهیونیستی. از بلندگوهای خاموش سازمان ملل که سکوت‌شان برابر جنایات غزه را روایت می‌کنند تا تارهای عنکبوتی که ستاره داوود را به شکل نمادین به دام انداخته‌اند، همه این آثار به ما یادآور می‌شوند که هنر، سکوت نخواهد کرد. یکی از تأثیرگذارترین آثار این نمایشگاه، تصویر جوانی فلسطینی است که در برابر توپ و تانک‌های کشورهای حامی رژیم صهیونیستی ایستاده است؛ تصویری که به‌خوبی ایستادگی مقاومت فلسطین را به نمایش می‌گذارد.

کلیدهای امید در آوارگی

نماد کلید، حضوری برجسته در بسیاری از آثار این نمایشگاه دارد؛ کلیدی که برای فلسطینی‌ها، سمبلی از امید به بازگشت به خانه‌های‌شان است. زنان فلسطینی، این کلیدها را سال‌هاست به گردن آویخته‌اند و آن را نشانه‌ای از ایمان به روزی می‌دانند که ظلمت پایان یابد و سرزمین‌شان از چنگال اشغالگران آزاد شود.



حافظ می‌تواند دوباره به همان شکوهی بازگردد که زمانی تحت مدیریت علی معلم، به یک رویداد معتبر و قابل احترام برای تمام اهالی سینما و تلویزیون ایران تبدیل شده بود. در پایان، بیست و سومین جشن حافظ اگر چه به نسبت دوره‌های قبل، گلمی رو به جلو محسوب می‌شود اما هنوز تا رسیدن به استانداردهایی که علی معلم برای آن وضع کرده بود، راه درازی در پیش دارد.

حضور چهره‌های برجسته

این نمایشگاه در روزهای اخیر، شاهد حضور بسیاری از چهره‌های برجسته سیاسی و هنری کشور بوده است. مسعود شجاعی‌طباطبایی، از هنرمندان مطرح عرصه تجسمی، این نمایشگاه را یکی از تأثیرگذارترین رویدادهای هنری در حوزه مقاومت دانسته است. او معتقد است: «این آثار، زبانی جهانی دارند و می‌توانند پیام مظلومیت مردم فلسطین را به سراسر دنیا منتقل کنند». مسعود نجابتی، دیگر هنرمند شناخته‌شده، نمایشگاه را عرصه‌ای برای تأمل و مبارزه با بی‌عدالتی می‌داند و می‌گوید: «هنر، واکنشی عمیق و تأمل‌برانگیز به جنایات است و این آثار، نماینده این حقیقتند.»

نمایشگاه «همچنان توفان» اثباتی است بر این واقعیت که هنر در برابر ظلم سکوت نمی‌کند. این نمایشگاه، صدای مظلومان فلسطین و پژواک آرمان‌های انسانی برای آزادی و عدالت است. در جهانی که بمباران و سرکوب، صدای انسانیت را خاموش می‌کنند، این آثار هنری، همچون چراغی فروزان، راه مقاومت و امید را روشن نگه می‌دارند.